ادامه از صفحه ۴

عکس: سیدوحید حسینی/فرهیختگان

دکتر محمدمهدی طهرانچی

رئیس دانشگاه آزاد از افق‌های پیش‌رو می‌گوید

۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد باید با سراهای نوآوری تامین شود

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

ایده سراهای نوآوری یکی از محورهای تغییرات حوزه فناوری دانشگاه آزاد در طول دوران تحول قلمداد می‌شود. حوزه فناوری دانشگاه آزاد که تا پیش از این صرفا به مراکز رشد و واحدهای فناور محدود می‌شد با شکل‌گیری سراهای نوآوری با سبک و سیاق متفاوتی نسبت به گذشته به فناوری و نوآوری در دانشگاه آزاد قوام بخشید. در واقع دانشگاه آزاد با آسیب‌شناسی محیط فناورانه موجود در فضای آموزش عالی کشور تلاش کرده تا در ایجاد ساختار جدید خود فناوری به شکل درستی در جریان فعالیت دانشگاه قرار گیرد. یکی از نتایج این ریل‌گذاری جدید شکل‌گیری سراهای نوآوری در این دانشگاه است و محل اجتماع فناوران دانشگاهی هستند. محلی که حتی نام آن هم با توجه به اصالت ایرانی گرفته شده و برگرفته از مفاهیم تاریخی بومی است. دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد معتقد است هر سیستمی، خصوصا سیستم‌های بزرگ، اگر درک تحول نداشته باشند از بین می‌روند و «ورشکستگی» را نوعی نتیجه عدم‌درک تحول و پاسخ به‌موقع می‌داند. او البته معتقد است «تقلید» صرف آفتی است که حوزه فناوری و نوآوری را نیز تحت‌تاثیر قرار داده است؛ بنابراین «پاسخ» به تحول هم باید متناسب با «زیست‌بوم» باشد. همان اتفاقی که در دانشگاه آزاد رقم خورد و مفهوم «سرای نوآوری» و «بازار فناوری» را به‌وجود آورد. گفت‌وگوی پیش‌رو با دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد، به ابعاد مختلف پروژه سراهای نوآوری پرداخته که به مناسبت سالگرد تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی به شکل عمومی منتشر می‌شود.

موضوع بحث، بازار فناوری دانشگاه و سراهای نوآوری است؛ اتفاقی که از سال ۱۳۹۸ با حمایت شما و دکتر روح‌الله دهقانی فیروزآبادی آغاز شد. سال ۱۳۹۸ را می‌توان به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ دانشگاه آزاد در نظر گرفت؛ سالی که معاونت تحقیقات، فناوری و نوآوری دانشگاه آزاد شکل گرفت. در ادامه دانشگاه تمام امکانات خود را در حوزه فناوری بسیج کرد تا به دانشگاه کارآفرین تبدیل شود. قبل از اینکه از علت تغییر ریل صحبت کنید، نگاهی به گذشته داشته باشید. ابتدا از جریان تحولی که در دنیا اتفاق افتاد و دانشگاه‌ها نیز تاثیر پذیرفتند، صحبت کنید.

معمولا تحولات اجتماعی فناورانه سریع، پیچیده، انسان‌مدار، چندوجهی و مرتبط است. اگر هر سیستمی خصوصا سیستم‌های بزرگ، درک تحول نداشته باشند از بین می‌روند؛ این نکته بسیار مهمی است. یعنی چه؟ به‌طور مثال امروز هوا گرم است و با هواپیما از منطقه‌ای گرمسیر به منطقه‌ای سردسیر می‌روید. به‌محض اینکه از هواپیما پیاده می‌شوید و سرما را احساس می‌کنید، اگر با همان لباس محیط گرم وارد محیط سرد شوید و درک نکنید هوا سرد و دما زیر صفر است، زمانی نمی‌گذرد که از بین می‌روید. اساسا درک تحول مهم‌ترین بخش کاری است که باید یک مدیر در مرتبه اول انجام دهد. اگر مدیری درک تحول نداشته باشد به‌تبع آن نمی‌تواند حل مساله کرده و سیستم خود را مدیریت کند. عمدتا سازمان‌های بزرگی که درک تحولی ندارند دچار واپاشی می‌شوند. ورشکستگی نوعی عدم‌درک تحول و پاسخ به‌موقع است، این نکته اهمیت بسیار زیادی دارد. وقتی سال ۱۳۹۷ به دانشگاه آزاد آمدم، تصویری از دانشگاه به دست‌مان آمد که از نظر واقعیت‌های پیش‌رو تصویری بسیار وحشتناک بود؛ سازمانی صرفا متکی بر شهریه و آن هم شهریه پمپاژ شده؛ به‌طور مثال در مقطعی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد را ناگهان دوبرابر کردند. این به‌دنبال رابطه‌ای بود که وزارت وقت علوم، تحقیقات و فناوری داشت و درحقیقت نماد مدیریت سیاسی بود. مدیران سیاسی معمولا سیستم‌های خود را با تدبیر، عقل و درایت از مصائب بیرون نمی‌کشند، بلکه کمی از رانت سیاسی استفاده می‌کنند و کارهایشان را جلو می‌برند. اولین موردی که لازم داشتیم، این بود که بدانیم با تغییری کوچک نمی‌توان دانشگاه را نجات داد. باید شوک بزرگی به دانشگاه وارد می‌کردیم تا خط مفاهیم جدیدی شکل بگیرد. در این قصه، تغییر ساختار مهم‌تر از تغییرات دیگر بود. تغییر نگاه، انقلاب در نگاه و به‌تبع آن تغییر ساختار را می‌خواستیم. از امام در این مسیر یاد گرفتیم؛ وقتی انقلاب شد، امام ضمن اینکه ساختارهای قبلی را حفظ کردند، برای این انقلاب و تحول، ساختارهایی هم خلق کردند؛ یعنی صرفا روی ساختار گذشته، نظام را ننشاندند. مجلس شورای ملی وقت را به مجلس شورای اسلامی تبدیل کردند، کنارش نیز شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را شکل دادند. اساسا ساختار حکومت را تغییر داده و در رأس نظام سه قوه‌ای وقت، ولایت‌فقیه و رهبری را قرار دادند. همچنین سپاه و حتی جهاد سازندگی را تشکیل دادند. پیش‌تر نیز گفته‌ام اگر بدسلیقگی نکرده و جهاد سازندگی که امام خلق کرد را اضافه ندیده و به ساختارهای بروکراتیک خودمان پیوند نزده بودیم، اکنون فقر در کشور به شکل کنونی نبود که در بعضی نقاط دیده می‌شود. جهاد سازندگی می‌توانست آبادانی را با همان روحیه جلو ببرد. این تعلیم انقلاب بود که شما نمی‌توانید فقط روی بستر قبل بنشینید. ما نسبت به یک‌سری مفاهیم اصلی، تغییر نگاه داده و با این مفاهیم، تغییر ریلی را مدنظر قرار دادیم و تغییر ساختاری هم رقم زدیم. ثمره‌اش را هم در دوران کرونا دیدیم. اگر من کمافی‌السابق معاون آموزشی و معاون پژوهشی داشتم، بدیهی بود که اتفاقاتی مثل «آموزشیار» رقم نمی‌خورد. اگر «آموزشیار» نبود، خیلی ساده دانشگاه در دوران کرونا شکست می‌خورد. تصمیمات استراتژیک در زمانی اتخاذ می‌شود و بعدها نتایجی مثبت به دست می‌دهد. تغییر و شکست ساختاری داشتیم و روی مفهوم فناوری تمرکز کردیم. عقبه و خاستگاه خودم در دانشگاه، فناوری بود. معاون پژوهشی دانشگاه بودم، مفاهیم پژوهشی سند تحول و نقشه جامع علمی هم در دست من بود و اشراف کاملی روی آنچه داشتم که در دنیا می‌گذرد. نواقص، مفاهیم مبتنی بر زیست‌بوم و اتفاقاتی که تحت عنوان صورت‌گرایی در کشور وجود داشت را می‌شناختم. بدترین اتفاق آن است که بعد از درک تحول، پاسخ تحول را تقلیدی بدهیم. اگر تحول را درک نکنید، پاسخ تقلیدی بدهید و متناسب با زیست‌بوم خودتان نباشد، نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آید. اگر بخواهید خانه گرم خود را در مناطق شرجی خنک کنید و با کولر آبی این کار را انجام دهید، رطوبت خانه به حدی بالا می‌رود که تنفس برای شما سخت می‌شود. پاسخ باید متناسب با زیست‌بوم باشد. صورت‌گرایی و تقلید، یکی از مباحثی بود که بخشی از دانشگاه‌ها و مباحث در حوزه فناوری درگیرش بودند. خیلی روی مفهوم «سرای نوآوری» و «بازار» کار کردیم. احساس من این بود که ما سنت و گذشته‌ای داریم و باید مبتنی بر سنت خودمان، به مفاهیم جدید توجه کنیم. مفهوم «بازار فناوری» و «سرای نوآوری» از همان «بازار» و «سرا» در سنت گرفته شده است. این مفاهیم آمدند و انصافا خیلی خوب نشستند. در سازمان و سازوکار دانشگاه دیدیم خیلی خوب، مناسب و بیش از سرعتی که فکر می‌کردیم، رشد کرد. البته این زیست‌بوم هنوز جای کار دارد. در زیست‌بوم آموزش، دانشجو وارد می‌شود و با تخصص، حرفه و مدرک دانشگاهی خارجی می‌شود. ما کنار آن، زیست‌بوم بازار فناوری و سرای نوآوری را ایجاد کردیم. باید یک نفر وارد شده و با یک شرکت از محیط خارج شود اما هنوز نتوانسته‌ایم این هدف را به‌طور کامل و جامع داشته باشیم. سال ۱۳۸۵ معاون پژوهشی بودم به وزیر وقت علوم گفتم: «در مرکز رشد یک دانشگاه چند نفر مشغول هستند؟ در بهترین حالت ۵۰ نفر کار می‌کنند. ۵۰ نفر در یک دانشگاه ۱۰ هزار نفره می‌شود رانت. ما کل امکانات کشور را برای ۵۰ تا ۱۰۰ نفر بسیج کرده‌ایم. معنی نمی‌دهد. شما باید هم‌عرض با کل، کل دیگری در این سو داشته باشید.» با همان نگاه‌های انتقادی معاونت فناوری و نوآوری را تشکیل دادیم. اصرار یکی از دوستان در هیات‌امنا این بود که «تحقیقات» را هم به این معاونت اضافه کنید، درصورتی که من مخالف بودم. تصور دیگری هم داشتم؛ پژوهش دانشگاهی، پژوهش تحصیلات تکمیلی است، پس باید پژوهش تحصیلات تکمیلی را با آموزش گره زد، به همین دلیل به معاونت موضوعی گفتیم شما مسئول پژوهش تحصیلات تکمیلی هم هستید. ویژگی ایران این است که پژوهش‌هایش، پژوهش دانشگاهی است، درصورتی که دنیا شرایط متفاوتی دارد. پژوهش شرکت‌ها، دولتی و «industry» در دنیا خیلی جدی است. در ایران پژوهش دانشگاهی برجسته بوده و شکل این پژوهش نیز پژوهش تحصیلات تکمیلی محسوب می‌شود. باید این پژوهش را به اصل روند می‌چسباندیم. آنچه اتفاق افتاد، جداسازی این دو بود. دانشگاه و پژوهشگاه را جدا در نظر گرفتیم. یکی از دوستان صحبت‌هایی مطرح کرد ولی ما بحث را تحت عنوان معاونت فناوری و نوآوری جا انداختیم. البته هیات امنا در ادامه حمایت کرد. مفهوم بازار فناوری در آیین‌نامه مربوطه‌اش نیز قرار گرفت. لازم بود تحولی به شکل عمقی در دانشگاه رقم بزنیم و از حرکت شکل‌گرایانه پرهیز کنیم. فضاهایی را آزاد کرده و مباحثی را آغاز کردیم. البته این مباحث هنوز برای کار حرفه‌ای، جای کار بیشتر دارد. رهبر انقلاب یک یا دو سال پیش فرمودند که باید تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان دو برابر شود. واقعیت این است که در اسناد می‌گویند یک جرم بحرانی باید برای شرکت‌های دانش‌بنیان وجود داشته باشد تا اقتصاد دانش‌بنیان شکل بگیرد. جرم بحرانی یعنی تعدادشان به حد مطلوبی برسد. ما در زبان فارسی می‌گوییم با یک گل، بهار نمی‌شود. اینکه چند شرکت باشند، تحولی ایجاد نمی‌کند چون شرکت‌ها می‌آیند و می‌روند. اگر دولتی‌ها از دولت، پول می‌گیرند تا پارک فناوری داشته باشند، ما پولی از دولت نمی‌گیریم تا چنین پارکی داشته باشیم. ما برای بودن‌مان کنار اقتصاد شهریه‌ای باید اقتصاد مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان نیز داشته باشیم. این یک «باید» است. فاز اول ما تغییر مفاهیم بود.

این حرکت را می‌توان نخست معرفی کرد؛ قدم بعدی مسیر فناوری چگونه هدف‌گذاری و طراحی می‌شود؟

اساسا به آینده و امید کمک می‌کند. امید هر جوان از این نکته نشات می‌گیرد که تاثیر او چقدر بوده و چه اندازه موثر است. برای سنجش میزان تاثیر باید آنچه به او می‌دهید، موثر بودن را برایش خلق کند. زمانی فردی در دانشگاه مدرک می‌گرفت، روزنامه را باز می‌کرد و می‌دید که یک شرکت لیسانس مکانیک و شرکت دیگری مهندس مکانیک می‌خواهد. ناگهان مشاهده می‌کرد صد شرکت نیاز به مهندس مکانیک دارند. وقتی هم دانشجو بود، روزنامه را باز می‌کرد و با امید می‌گفت «شغل من تامین است». وقتی شما در کشور بخواهید این فضا را خلق کنید، دیگر از شغل سنتی نتیجه‌ای به دست نمی‌آید. در گذشته فرد می‌گفت که در مغازه پدرم، جایم تامین است. امروز جای او کجا تامین خواهد بود؟ باید جای دانشجو را از حالا به او نشان بدهیم. این یقین باید ایجاد شود. مثالی می‌زنم؛ حضرت ابراهیم که درود خدا بر او، نبی ما و اهل بیت باد، به خدا گفت: «چگونه آن دنیا را درست می‌کنی؟» خدا پاسخ داد: «چهار پرنده را سر بِبُر و روی چهار کوه بگذار.» خدا به ابراهیم گفت: «باور نداری؟» ابراهیم جواب داد: «باور دارم ولی یقین، نه.» ما باید برای یقین جوان هم فکر کنیم. یقینِ جوان وقتی ایجاد می‌شود که بستر را مولد بداند و آینده خود را در این فضا ببیند بنابراین ما وارد این عرصه شدیم تا دانشگاه، چنین فضایی داشته باشد و صرفا به آموزش صرف نپردازد. این اتفاق، کار و زمان زیادی برد. تغییرات مفاهیم نیازمند صرف زمان زیادی است. فرهنگ به فرموده وارد نمی‌شود. باید با گفتمان‌سازی، جریان‌سازی، شبکه‌سازی، نهادسازی و رفتارسازی اقدام کرد. فرهنگ‌سازی مجموعه‌ای از این موارد است. در دوره اول که گفتمان‌سازی است، خوب عمل کردیم. بعد در جریان‌سازی و شبکه‌سازی به‌خوبی پیش رفتیم ولی باید وارد کارهای دانش‌بنیان حرفه‌ای شویم و از کارهای آماتور به‌جد فاصله بگیریم. اکنون در گام دوم، آماده و به‌دنبال این هستیم که دانشگاه را در حوزه فناوری وارد فاز حرفه‌ای کنیم. برای شرکت‌های دانش‌بنیان باید لوکوموتیوهایی بسیار قوی داشته باشیم تا بتوانیم موثر باشیم.

این تغییرات مبتنی بر مفاهیم جدید نسل‌های دانشگاه پیش می‌رود؟ درواقع دانشگاه آزاد می‌خواهد به دانشگاه نسل سوم و چهارم نزدیک یا تبدیل شود؟

من این حرف‌ها را قبول ندارم! دانشگاه نسل اول، دوم، سوم، چهارم را قبول ندارم؛ این زیست دانشگاه در بستر غرب است. زیست دانشگاه در بستر غرب، زیستی بوده که همین پنج مرحله را برایش متصور هستند ولی دانشگاه در ایران، زیست دیگری دارد. اینکه ما بخواهیم صورت‌گرایانه، مساله دارای راه‌حل بیرونی را به اینجا بیاوریم، همین اتفاق رخ خواهد داد. روی این نکته تاکید می‌کنم. ما تعریفی داریم و تعریف‌مان با ساختارسازی‌هایی که خودمان به آن معتقد هستیم سازگار است. نمی‌گوییم «پارک علم و فناوری» چون «پارک» در همان قالب و متعلق به همان زیست‌بوم است. باید حواس‌تان باشد کشوری هستیم که بازارش حجره‌محور است. کشوری که یک تاریخچه بازار حجره‌محور دارد، وقتی «مال» (Mall) تاسیس می‌کند، باز هم مال‌هایش حجره‌محور هستند. مفهوم سرا چیست؟ جایی مثل «گوگل» ایجاد می‌شود. این کمپانی در محلی تاسیس شده که کار و تجربه‌های شرکت‌های بزرگ‌مقیاس در آن نهادینه است. ایران ما این‌گونه نیست. نمی‌توان سابقه این مردم با حجره‌محوری را نادیده گرفت. چرا می‌گوییم بازار فناوری، سرای نوآوری، تیمچه خلاقیت و بعد هم عنصری که حجره نام دارد؟ برای این مفاهیم باید به فرهنگ یک ملت توجه کرد. این‌گونه نیست که حجره‌ها کار شبکه‌ای نمی‌کردند. مثال می‌زنم؛ در هر صنفی از جمله لوازم منزل شکل شبکه‌ای حاکم بود. شغل پدربزرگ من در بازار، تولید لوازم نفت‌سوز در بازار بود. یک کارگاه، فتیله درست می‌کرد و کارگاه دیگری اجزای فلزی را می‌ساخت. پدربزرگم همه اینها را جمع می‌کرد. شبکه گسترده‌ای هم در شهرستان‌ها وجود داشت. بازار در ایران، مفهوم دارد و اتفاقا شبکه است. اگر این مفهوم شبکه را با لغت‌ها و فرهنگ‌هایی که از غرب وارد می‌کنید، ترکیب کنید، در جای درست نمی‌نشیند چون زیست‌بوم مخصوص به خود را دارد. باید ملاحظات زیست‌بوم ایران را وارد بحث می‌کردیم. ما باید ادبیات سرا و بازار قدیم را با سرای نوآوری و بازار فناوری که اجزای بعدی‌اش تیمچه بوده و به حجره خلاقیت می‌رسد، مرتبط کنیم. برخی می‌گویند «خانه خلاقیت» اما خانه جای دیگری است. بازاری که هزار تا دو هزار سال کار کرده و بین‌المللی هم بوده را باید در نظر گرفت. سعدی داستانی نقل کرده و از بازاری روایت می‌کند که اجناس را از ایران به جاهای دیگر می‌بردند و اجناسی هم می‌آوردند پس این بازار با کل دنیا کار می‌کرد. می‌خواهم بگویم برای آنچه در دانشگاه آزاد خلق می‌کنیم، اولا به‌دنبال خلق ساختار مبتنی بر زیست‌بوم برای چاره‌اندیشی حل مسائل خودمان هستیم. این نکته به ما قوت می‌دهد تا بتوانیم حرکت کنیم لذا مفاهیم را در دانشگاه آزاد چنانکه دیدید، به جای اینکه از غرب عاریه بگیریم، مفاهیم خودمان را به جای تقلید کورکورانه در قالب نو جایگزین می‌کنیم. این است که در دانشگاه آزاد می‌بینید این مفاهیم با شتاب و خیلی سریع، رشد و نمو دارد. باید به این نکات توجه کرد.

دانشگاه آزاد پهنه جغرافیایی خوبی دارد. می‌توان انتظار داشت که این ادبیات به‌زودی در کشور حاکم شود؟

پهنه جغرافیایی کمک دیگری به ما می‌کند. اولا خودمان بازار مصرف بزرگی محسوب می‌شویم. ثانیا به شبکه اجتماعی کشور متصل هستیم. ثالثا دانشگاه آزاد از مردم برای مردم است. نقش مردم برای دانشگاه، یک واقعیت مجازی نیست بلکه واقعیتی ملموس به شمار می‌رود چون شهریه‌اش را از مردم می‌گیرد. اصلا سلیقه مردم و اقبال اجتماعی برای دانشگاه مهم است. دانشگاه آزاد نمی‌تواند بگوید با کار و اشتغال مردم کاری ندارم. اساسا باید برگردد مهارت و فناوری را برای اشتغال و علم و دانش را برای پشتیبانی از این دو خلق کند. آنچه در مدیریت کلان دانشگاه آزاد به‌عنوان یک مفهوم مطرح بوده و الحمدلله کشور هم با استفاده از بچه‌های دانشگاه در دیگر عناصر دانشگاهی نشان می‌دهد این مفهوم را پذیرفته، این است که دانشگاه نمی‌خواهد مقلد کورکورانه نسبت به مفاهیمی باشد که در جای دیگری تولید می‌شود. مد نظر ما خلق مفاهیم از سنت و درآوردن به شکل تحولات اجتماعی فناورانه است. از آنچه در سنت، گذشته و میراث تاریخی ما وجود دارد، استفاده می‌کنیم. تجربه انقلاب اسلامی و اتفاقاتی که در دنیای امروز است؛ این سه عمل را با همدیگر به صورت کامل ممزوج می‌کنیم و طرح نو درمی‌اندازیم. ما توانسته‌ایم بدون اتکا به دولت چنین کاری را انجام دهیم. نکته مهمی است. من خیلی پرهیز دارم در اتفاقاتی که رقم می‌زنیم متکی به دولت و پول نفت باشیم. اگر می‌خواهیم اقتصاد رقم بزنیم باید بتوانیم آن را بدون تکیه بر بانک و رانت و به‌صورت ویژه متکی بر خود دانشگاه داشته باشیم. قانون، تنظیم‌گری و حمایت کلان دولتی بحث دیگری است ولی هیچ‌وقت نرفتیم با پول دولتی، صندوق‌مان را بزرگ کنیم. سال گذشته دولت ۵۰ میلیارد تومان در مجلس برای صندوق پژوهش و فناوری ما ذیل تبصره ۱۴ تعریف کرد. بعد هم این تبصره را به هیچ کسی ندادند. آن زمان موجودی صندوق ما ۲۰ میلیارد تومان بود. اگر می‌خواستیم بنشینیم تا ببینیم آخر سال این ۵۰ میلیارد تومان را به ما می‌دهند تا موجودی صندوق ۷۰ میلیارد شود، امروز نمی‌توانستیم بگوییم صندوقی با موجودی ۳۷۵ میلیارد داریم و تا پایان سال به ۵۰۰ میلیارد می‌رسد. خودمان برای خودمان تدبیر می‌کنیم و تکیه‌مان را به هیچ عنوان به وجه دیگری نمی‌دهیم. منتظر نمی‌نشینیم تا از بودجه دولت به ما چیزی برسد. به بچه‌ها گفته‌ام اصلا نگاهی به بودجه دولتی نداشته باشید. اگر دادند، الحمدلله و اگر ندادند، الله‌اکبر!

برای خیلی از دانشجویان یا خانواده‌هایشان چنین تصوری ایجاد شده که دانشگاه آزاد می‌خواهد در امر اشتغال کمک ویژه‌ای به آنها کند. دانشگاه آزاد در حال تسهیل مسیر است یا کار دیگری انجام می‌دهد؟

ما به‌صورت مشخص بسترساز اشتغال دانش‌بنیان هستیم. من مسئول ایجاد شغل نیستم. وزارت کار جای دیگری است. من می‌گویم کارآفرین نیستیم بلکه اینجا محل کارآمادگی است. پیش‌تر گفتم دانشگاه کارآفرین را قبول ندارم. واژه ما «کارآمادگی» است. وقتی دانشجوی ما از دانشگاه خارج می‌شود، ضریب کارآمادگی او چقدر است؟ این نکته با کارآفرینی فرق دارد. دیگران می‌گویند: «من دانشجوی کارآفرین تحویل می‌دهم.» مجموعه و زیست‌بومی گذاشته‌اند که بستر را فراهم می‌کند و کارآفرین شما به آنجا می‌رود. به‌طور مثال نظامات، زمان ثبت شرکت، قوانین و دسترسی به وام را مشخص می‌کنند. کارآفرین برای این فضا مناسب است ولی من باید کارآماده تحویل بدهم؛ قابلیت این فرد برای کار چقدر است؟ او می‌رود و ان‌شاءالله کارآفرینی را دنبال می‌کند. معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری نیز با بسترهایی که در اختیار دارد، کارآفرینی را خلق می‌کند. «کارآمادگی» شاخصی است که من درنظر می‌گیرم و برای اولین بار هم در ایران مطرح کردیم. وقتی فردی لیسانس می‌گیرد از لحاظ تخصصی آماده است تا مفهوم و این سطح از دانش را بفهمد. وقتی بچه کلاس‌های اول و دوم را پشت‌سر می‌گذارد، آماده است تا هر متنی را بخواند؛ این کار به معنای آماده‌سازی است. کار دانشگاه آزاد نیز تربیت «کارآماده» است و میزان کارآمادگی را اندازه می‌گیرد. به‌طور مثال وقتی دندانپزشک تربیت می‌کنیم، دندانپزشک یک کارآماده است. چه زمانی به کار تبدیل می‌شود؟ وقتی به کلینیک یا مطب برود، مطبی که ساختمان و تجهیزاتش را دیگری تهیه کند. ولی شخصیت او کارآماده است. آیا دندانپزشکی که فارغ‌التحصیل می‌شود، می‌تواند همان لحظه پول دربیاورد؟ نه. زمانی می‌تواند درآمد کسب کند که به سر کار برود اما او کارآماده است. دانشگاه وظیفه دارد نیروهای کارآماده تربیت کند. ممکن است این کار حالا تعریف شده باشد یا برای او کار جدیدی آماده باشد. بعضی‌ها از کارآفرینی این مفهوم را می‌گیرند؛ فرد را آماده می‌کنیم تا خودش خلق جدیدی کند. اگر کارآفرینی را به این معنا می‌گویند، ما قبول داریم ولی اگر معتقد هستند دانشجو سریعا می‌تواند کارآفرینی کند، خیر. کارآفرینی سرمایه، امکانات، محیط کار، محیط فروش و زنجیره می‌خواهد.

در خرداد ۱۳۹۸ که طرح سراهای نوآوری مطرح شد، برای بسیاری این بحث نامشخص بود و شناخت کاملی از این مفهوم وجود نداشت. برخی این ذهنیت را داشتند که سراها به تازگی مطرح شده است. پاییز سال ۱۳۹۸ در ارتباط با صدور مجوز برای ۴۰ سرای نوآوری دانشگاه آزاد صحبت کردید. انتخاب واحدها به چه شکل انجام شد؟ مجوز سراهای نوآوری به چه نحو اعطا می‌شود؟

پل چند پایه دارد و یک مبدأ را به یک مقصد وصل می‌کند. اساسا سرای نوآوری یک پل با یک‌سری ستون است. برای اینکه سرای نوآوری را در جایی قرار دهید، ابتدا باید در یک سوی ماجرا، محیط تربیت نیرو و انگیزه برای رفتن به طرف دیگر وجود داشته باشد. سوی دیگر محیط کسب‌وکار است. به‌طور مثال وقتی در تبریز، فضا مربوط به چرم و کفش است، اگر به بازار این شهر بروید، روی در و دیوار می‌بینید به کارگر ماهر یا برشکار ماهر یا طراح ماهر نیاز دارند. این کارگر ماهر می‌تواند یک مهندس باشد. پس باید بازار وجود داشته باشد. دانشگاه نیز در این سو باید خودش را آماده کند، امکانات را فراهم کرده و بعد پل بزند. درواقع پلی نیست، پل خلق جدید است. ستون‌های پل از باشگاه، آدم خلاق «creative» می‌خواهد، مرکز رشد می‌خواهد، شرکت دانش‌بنیان و پارک می‌خواهد، تعامل صنعت، محیط‌های مشاوره صنعتی و «R&D» می‌خواهد. باید ستون‌های مختلف گذاشته شود تا وقتی فردی روی پل شروع به حرکت کرد و به انتهای پل رسید، هویت خود را در آن بازار پیدا کند. جایی که به آن سرای نوآوری می‌دهیم باید این دو مفهوم را داشته باشد. طلب هم باید در این سو موجود بوده و عده‌ای باشند که بخواهند به طرف دیگر پل بروند، درنتیجه این پل ساخته می‌شود.

بعضی‌ها سعی می‌کنند سریعا مطالب ما را تقلیل‌گرایانه، فرو بکاهند. ما نمی‌خواهیم این‌گونه باشد، به همین دلیل خیلی جدی بحث می‌کنیم تا نگویند: «سرا همان پارک است». پارک جزئی از سرا است، همان‌طور که صندوق مالی جزئی از سرا است. وقتی می‌گوییم «بازار فناوری» یعنی وقتی به بازار می‌روید، هم صندوق، هم بانک، هم نهاد مالی، هم حجره، هم تولیدگر، هم شبکه هست. همه این موارد در بازار وجود دارند. سرا به همین معنا است؛ محیطی تعاملی بوده که محیط رشد را فراهم می‌کند. فردی مثل شاگرد بازاری وارد می‌شود و از سوی دیگر اوستا بیرون می‌آید.

مثل قدیم که اوستا به شاگرد می‌گفت «دوره مکاسب بخوان».

بله، یکی از بحث‌های جدی من همین است. در دوره آموزشی خود، «مکاسب» را هم گذاشته‌ایم. ضمن اینکه مباحث دیگر را نیز آموزش می‌دهیم، مکاسب را هم به فردی می‌آموزیم. همچنین خرید و فروش شرعی را نیز یاد می‌دهیم. دوره‌ای که تعریف کرده‌ایم، این مبحث‌ها را در خود دارد. در بازار، مدرسه علمیه هم بود. «بازاری» صبح می‌رفت و بایدها و نبایدهای کار را یاد می‌گرفت. معامله چه وقت صحیح و چه زمانی باطل است؟ معامله کجا انجام می‌شود؟ چه وقت نزول و چه زمانی حلال است؟ کسب‌وکار و معیشت هم فرهنگ، هم شرع و هم فقه دارد. کسی که از پل عبور می‌کند باید تمام موارد را در طول این مدت یاد بگیرد.

طبق سند تحول، دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۴۰۵ باید ۱۰۰ سرای نوآوری داشته باشد. اکنون قریب به ۵۷ سرای نوآوری در دانشگاه فعال هستند. از این تعداد، چهار سرا مجوز دائم گرفته‌اند. نقدی همیشه در ارتباط با سراهای نوآوری مطرح بوده؛ یک‌سری از آنها هنوز نتوانسته‌اند خودشان را نشان بدهند. در افق پنج ساله دانشگاه آزاد، فقط قرار است تعداد سراها به صورت کمی افزایش پیدا کند یا شاهد رشد کیفی نیز خواهید بود؟

تا زمانی که مفهوم مدنظر ما محقق نشود، سرا شکل نمی‌گیرد. هر بازار و پاساژی در هر مکانی تاسیس کنید، همان روز مشتری پیدا می‌کند؟ خیر. همان روز شکل می‌گیرد؟ خیر. سرا مفهومی است که باید رشد کند؛ کما و کیفاً. ما در دانشگاه آزاد هیچ کاری را نمایشی انجام نمی‌دهیم. درنهایت می‌گوییم تا چه اندازه توانسته آورده مالی برای خود کنشگران داشته باشد. از آنجایی که به این شاخص متصل بوده، تعداد ضرب‌در کیفیت برای ما مهم است لذا حتما باید به ۱۰۰ سرا برسیم چون لازم است ۱۰۰ سرا برای ۱۰۰ حرفه مشخص در حداقل ۱۰۰ شهر شکل بگیرد. قطعا باید این سراها سطح‌بندی شوند و کیفیت‌شان به حد مطلوب برسد. به‌هیچ‌وجه به دنبال بحث صورت‌گرایی نیستیم ولی یادتان باشد کیفیت از دالان کمیت می‌گذرد.

به شرکت‌های دانش‌بنیان برسیم. به نظرم می‌رسد نوعی مسابقه شکل گرفته تا تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان افزایش پیدا کند. هر روز آمارشان رشد می‌کند، درحالی که به‌صورت کلان اگر حمایت‌های دولت را نداشته باشند، شاید نتوانند خودشان را بچرخانند. علت این موضوع را چه می‌دانید؟

همیشه گفته‌ام گزارش‌گرایی و صورت‌گرایی، کار مدیران دولتی است. صورت‌گرایی که در انتها مساله‌ای را حل نکند، فایده ندارد. آنچه ما به‌دنبالش هستیم، متفاوت است. اکنون اتفاقا وقتی شرکتی می‌آید، می‌بینیم رابطه‌اش با دانشگاه چطور است، چقدر برای دانشگاه درآمد دارد و سهم شرکت‌ها در درآمد سالانه دانشگاه چه میزان است. این موارد مباحث جدی ما محسوب می‌شود، لذا هیچ‌وقت شرکتی که صورت‌گرایانه عمل کند برای ما فایده‌ای ندارد. درحال حاضر به‌جد این مساله را دنبال می‌کنیم. صحبت‌های من درخصوص شرکت‌های حرفه‌ای به همین دلیل است. چنانکه گفتم کیفیت از دالان کمیت می‌گذرد.

رهبر انقلاب هم افزایش صددرصدی شرکت‌های دانش‌بنیان را مطالبه کردند ولی در جایی از صحبت‌هایشان فرمودند: «از کارهای نمایشی جلوگیری شود.» مشخصا در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه از اقدامات نمایشی شرکت‌های دانش‌بنیان جلوگیری می‌کند؟

ما پول اضافه نداریم برای نمایش به کسی بدهیم. اصلا نمایش در ذات ما نیست چون در انتهای ماه باید آورده داشته باشیم و حقوق بدهیم. کارهای نمایشی به‌جای اینکه درآمدزا باشد، هزینه‌بر است. ما نمی‌توانیم کار هزینه‌بر انجام دهیم، لذا جنس ما نمایش نیست.

شرکت‌های دانش‌بنیان مهم‌ترین جزء سراهای نوآوری هستند. مهم‌ترین مشکل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های دانش‌بنیان را چه می‌دانید و چه برنامه‌ای برای آن دارید؟

مهم‌تر از آن «محصول» است. شرکت فی‌نفسه مهم نیست. محصول و خدمت، خروجی سراهاست. بازار را تشکیل نمی‌دهید تا آدم‌ها دور هم جمع شوند. فرق ادارات دولتی با بازار چیست؟ وقتی اداره دولتی تشکیل می‌شود و زمانی که ساختمانی دولتی است، افراد همین که به سر کار می‌آیند و می‌روند پول می‌گیرند بنابراین گوش‌شان به دولت است تا چه زمانی بیایند و چه وقت بروند. به مسائل دیگر کاری ندارند چون چه خدمت ارائه کنند و چه نکنند، حقوق خود را می‌گیرند ولی در بازار، اگر مشتری نیاید و خدمتی ارائه نکنند پولی درنمی‌آورند؛ پس بازار واقعی، بازاری است که در آن «محصول» و «خدمت» باشد و مصرف‌کننده این موارد را دریافت کند. به‌طور مثال شرکت دانش‌بنیانی تاسیس کرده‌ام و محصولی نیز دارم ولی هیچ کسی این محصول را نمی‌خرد؛ این شرکت دانش‌بنیان نیست. تفاوت ما همین‌جاست که قبل‌تر برای هر چیزی روی شبکه و بازار، تعامل بسیاری می‌کنیم.

با این اوصاف بزرگ‌ترین مشکل سرمایه‌گذاری چیست؟

بزرگ‌ترین مشکل «بازار» است. این بازار چند تهدید دارد؛ رانت، انحصارگرایی و مواردی از این جنس. در کشور ما بحثی وجود دارد؛ بعد از نهضت تنباکو، وقتی انگلستان نتوانست مجموعه خودش را به ایران بیاورد و با قضیه تنباکو هم قدرت دین را روی تجارت دید، گروهی را به نام «تجار» خلق کرد. آنها وارداتچی بودند، نه تاجر. در گذشته تاریخی ما، تجار تفاوت داشتند. به گفته سعدی، تجار چرخش مال را رقم می‌زدند. اصلا پیامبر(ص) قبل از اینکه مبعوث شوند، در تجارت فعال بودند. جنس از مکه می‌بردند و می‌آوردند. ایشان تجربه تجارت داشتند. تجارت در اسلام یعنی کار دوطرفه و یک مفهوم شریف و ارزشمند. جنسی را می‌برید و جنسی می‌آورید. در کشور ما افرادی به نام وارداتچی به‌جای تجار ظهور کردند. اخیرا حضرت آقا هم نکاتی را فرمودند. در انقلاب، وارداتچی‌ها به دلایلی لطمه نخوردند و سالم ماندند. هیچ‌یک از اموال آنها مصادره نشد، چون از نظر شخصیت، قشری مذهبی و سنتی بودند. کنارشان تولیدکننده‌ها لطمه جدی خوردند. منتها وارداتچی‌ها همواره در کشور ما اقتصاد ایران را مقابل تولید قرار دادند؛ یعنی جدال تولید با وارداتچی‌ها را شاهد بودیم. حضرت‌آقا مرتبا بر تولید اصرار دارند. تولید را باید به بیرون ببرند و در ازایش جنس دیگری بیاورند. نقش تجار چیست؟ به‌محض اینکه می‌گوییم: «وزارت بازرگانی»، معنایش می‌شود «وارداتچی». باید نامش را «وزارت وارداتچی» بگذاریم! شرکت‌های دانش‌بنیان هم تربیت نشده‌اند. لازم است تاجرانِ محصولات دانش‌بنیان را تربیت کنیم؛ این نقص را داریم. فرد بلدَ است از چین، هر جنسی بیاورد ولی بلد نیست محصول ایرانی را به چین ببرد و بفروشد؛ این مشکل جدی و آسیب دانش‌بنیان‌های ما است.

راهکار شما برای تسهیل بروکراسی دانشگاه چیست؟ وقتی با شرکت‌های دانش‌بنیان صحبت می‌کنیم، از کُندی روند گلایه دارند.

شرکت‌های دانش‌بنیان را خارج از مسیر دانشگاه، به صورت مستقیم با صندوق مرتبط کرده‌ایم. کاری با ما ندارند. وقتی این فرهنگ جا بیفتد، مشکل مذکور نیز حل می‌شود. مسیر شرکت‌ها از داخل دانشگاه نمی‌گذرد. فرمایش شما درست است ولی طول می‌کشد تا باورهای هر سیستمی تغییر کند.

دانشگاه برای حفظ منافع خود باید در مجموعه‌ها سهام داشته باشد، درست است؟

سهام یکی از رویکردهاست. ما رویکردهای دیگری داریم که بدون درگیر شدن در آن اقدام می‌کنیم. به‌طور مثال وقف مال و بخشی از سود و درآمد را داریم. مفهومی مثل سرقفلی و مباحث دیگری نیز به غیر از سهام در اقتصاد اسلامی معنا دارند. اینکه ما سریع به‌سمت آنچه می‌رویم که از قبل گرفته‌ایم، چندان مناسب نیست. روش‌های دیگری را باید امتحان کنیم. ما نمی‌خواهیم شرکت‌داریِ بزرگ کنیم و هلدینگ عجیب‌وغریبی شویم.

سود دانشگاه باید در این مدل حفظ شود.

بله، حتما باید این اتفاق بیفتد. چنانکه گفتم روش‌های دیگری وجود دارد که باید از آن محل‌ها حتما سود دانشگاه حفظ شود.

خیلی از مجموعه‌های بزرگ وجود دارند که می‌توانند با دانشگاه همکاری کنند ولی به‌دلیل همان بروکراسی چندان تمایلی نشان نمی‌دهد.

خیلی از کارهای ما را شرکت‌های دانشگاه انجام می‌دهند و خودمان عمل نمی‌کنیم. سرای نوآوری سازوکار خودش را دارد. سرای نوآوری در دل دانشگاه است ولی لزوما خود دانشگاه نیست. مثلا شرکت شتاب یکی از مجموعه‌های کنشگرانِ فعال سرای نوآوری ماست. صندوق پژوهش و فناوری نیز به همان ترتیب هویت مستقل خود را دارد. به‌طورمثال خبرگزاری «آنا» در دل سرای نوآوری ما قرار دارد و بخش خبرگزاری سرای نوآوری را برعهده دارد. اگر روزنامه «فرهیختگان» و «ایسکا» را متعلق به دانشگاه بدانید، «آنا» به سرای نوآوری تعلق دارد.

به بحث درآمدهای غیرشهریه‌ای در دانشگاه آزاد بپردازیم. دانشگاه در چند سال اخیر تلاش کرده درآمدهای غیرشهریه‌ای را افزایش بدهد تا اتکا به شهریه را کم کند. خیلی از مسئولان آموزش عالی می‌گویند دانشگاه آزاد، خصوصی بوده و وابسته به بودجه دولتی و نفت نیست. مثل یک مدرسه غیردولتی است و زمانی که خدمات ارائه می‌کند باید هزینه‌اش را دریافت کند. نظر شما در این باره چیست؟ دانشگاه آزاد باید از دانشجو شهریه بگیرد؟

«هاروارد» دانشگاهی دولتی یا خصوصی است؟

خصوصی است.

«هاروارد» خدمت ارائه می‌کند و شهریه می‌گیرد؛ اشکالی ندارد ولی واقعیت این است که دانشگاه فقط آموزش نمی‌دهد. مسئولیت اجتماعی دارد و باید در پژوهش سرآمد باشد پس باید درآمدهای غیرشهریه‌ای نیز کسب کند. درآمدهای دانشگاه را باید از ترکیب وقف، شهریه، اسپین‌آف‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به دست آورد. اکنون عیب دانشگاه‌های دولتی همین است. دانشگاه دولتی برای هر دانشجو n تومان از دولت می‌گیرد. طبق گفته خودشان ۷۲ درصد درآمدهای اختصاصی یا از جریمه دانشجوست یا درآمد شهریه‌ای که ۲۰ درصد بیشتر از درآمدشان نیست. در واقع ۳۰ درصد از درآمدهای اختصاصی‌شان واقعی است. اشکال ما این است که دانشگاه‌ها سبد درآمدی ندارند. به طور مثال دانشگاه تهران به‌جای شهریه از دانشجو، مابه‌ازای آن را از دولت می‌گیرد. بقیه‌اش چه؟ این مساله باید درست شود. دانشجو باید کار فرهنگی کند می‌گویند: «بودجه کار فرهنگی، کار پژوهشی و... را هم از دولت می‌گیریم.» در دنیا این‌گونه نیست.

فکر می‌کنید از مسیر سراهای نوآوری در افق پنج‌ساله دانشگاه، چه میزان از درآمدهای غیرشهریه‌ای محقق خواهد شد؟

ما باید به نقطه مورد نظر برسیم. در سند تحول به‌طور مشخص ذکر کرده‌ایم. فکر می‌کنم در افق پنج‌ساله دانشگاه آزاد باید ۶۰ درصد از درآمدهای ما به‌طور واقعی از شهریه و ۴۰ درصد غیرشهریه‌ای باشد. سراهای نوآوری باید ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد ما را در این افق تأمین کنند.

همچنان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات آموزش عالی، چالش ارتباط صنعت و دانشگاه است. سراهای نوآوری درحال حاضر این ارتباط را تسهیل می‌کنند ولی می‌بینیم در ارتباط سراهای نوآوری با صنعت و در نهایت ارتباط دانشگاه با صنعت، مشکل وجود دارد. دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه، صوری و شکلی هستند.

طرح پویش اشتغال را داریم که دانشجو را از همان سال اول به صنعت می‌فرستیم. این موارد واقعیت‌هایی است که اتفاق می‌افتد. کارهای کاربنیان و اتفاقاتی از این دست درحال تغییر فضا است. مدرسه عالی مهارتی، فضا را عوض می‌کند. سراهای نوآوری به‌واقع درحال تغییر این فضا هستند. با دفتر نمی‌توان ارتباط برقرار کرد. پیش‌تر هم گفتم سرای نوآوری یک پل است؛ یک سو دانشگاه و سوی دیگر بازار قرار دارد. صنعت هم بخشی از بازار است. نمی‌توانید فقط یک دفتر داشته باشید بلکه باید یک پل ساخت. سرای نوآوری آمده از ساده‌انگاری ارتباط بین دانشگاه و صنعت پرهیز کند چون رابطه خطی نیست. ما معتقد هستیم رابطه غیرخطی است و درحال ایجاد این رابطه هستیم. در «فرهیختگان» هم مشغول انجام این کار هستیم. پیش از تأسیس مدرسه عالی مهارتی، حس نمی‌کردید به چنین نامی نیاز دارید اما حالا می‌بینید بین دانشگاه و روزنامه، ستونی درحال شکل‌گیری است. وقتی تبلیغات هم راه بیفتد، می‌بینید ستون دیگری شکل می‌گیرد؛ یعنی همه مفاهیم را نباید به‌صورت نوشته تحویل داد بلکه بعضی از مفاهیم با تبلیغ وارد ذهن مردم می‌شود. آرام‌آرام می‌بینید یک سرای نوآوری نشر راه می‌اندازید و اجزایش را درست می‌کنید. کل این مجموعه می‌شود سرای نوآوری. یک سو روزنامه و سوی دیگر دانشگاه است. آدم‌ها از روی پل به مقصد می‌رسند.

نمی‌توان فرهنگ را در محاسبات نادیده گرفت. به نظر می‌رسد تا زمانی که فرهنگ تغییر نکند، نمی‌توان انتظار تغییرات جدی هم داشت.

فرهنگ‌ها و عادت‌های صورت‌گرایی بدترین مورد است. مردم حوصله فکر کردن ندارند و معمولا تقلیدگرایی مفرط یکی از خصلت‌ها و رفتارهای اجتماعی ما شده است. نمونه آن عادت به شغل ثابت و تضمینی است. وقتی برندی مثل حاج حسین ثانی و پسران به‌یکباره تکثیر می‌شود و هیچ کس نمی‌آید با یک اجناس خوب رقیب آن شود نشانه همین تقلیدگرایی مفرط است. دوست داشتن شغل ثابت به معنای نپذیرفتن ریسک‌پذیری است. البته تبلیغات عمده‌ای روی ذهن جوان ما صورت می‌گیرد که هرچه اینجا وجود دارد سیاه بوده و هرچه آن سوی آب‌ها هست، سفید است. اشکالات ماحصل تدابیر بلندمدت حمایتی و در واقع دولت‌سالاری مفرط نیز علت دیگری است. متأسفانه بسیاری فکر می‌کنند هر کاری دولتی بود، خوب است. دولت‌سالاری موجود در کشور ما را اذیت می‌کند.

نگاه سنتی حاکم در جامعه نیز چقدر تأثیر دارد؟ برخی نمی‌خواهند و نمی‌توانند تغییر و تحول را بپذیرند.

این لَختی سکون را هر جامعه‌ای دارد. لَختی هم یکی از بحث‌هایی است که مقابله با تغییر را رقم می‌زند و همیشه مانع است.

از سال ۹۸ تاکنون چقدر توانستید از پتانسیل امکانات دانشگاه را در جهت فناوری فعال کنید؟

در دو سال گذشته شیوع کرونا، تغییر دولت و موانع درونی و بیرونی را داشتیم ولی امروز به‌واقع کسی دیگر دانشگاه آزاد را به عنوان دانشگاهی آموزشی صرف نمی‌شناسد. از خود راضی بودن، خطاست. اگر کسی بگوید من موفق هستم و همه چیز خوب بوده، اشتباه می‌کند. همیشه باید مطالبه بیشتری داشت. کمال‌گرایی در وجود همه ما هست، باید کمال‌گرایانه به مسائل نگاه کنیم و هیچ‌وقت راضی از آنچه نباشیم که انجام داده‌ایم. لطف خدا در این مسیر بسیار بوده است. آنچه خداوند کمک کرده و موفقیت‌هایی که حاصل از کمک خداوند بوده با همراهی خوب جامعه دانشگاه آزاد رقم خورده است. کاستی‌هایی نیز خودمان داشته‌ایم که بار شده و اجازه نداده کار به‌خوبی پیش برود. امیدوارم این چرخ ان‌شاءالله بیشتر و بهتر در جهت امیدبخشی به نسل جوان حرکت کند.

ارزیابی کل شما نسبت به حرکت دانشگاه آزاد در دوره جدید چگونه است؟

وقتی سازمان‌ها و نهادهای خارج از دانشگاه مسئولیت‌های ویژه‌ای به معاونان دانشگاه آزاد می‌سپارند نشان می‌دهد بعد بیرونی در حاکمیت روی دانشگاه آزاد حساب می‌کند. وقتی تعداد دانشجویان ما از یک میلیون نفر به یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر می‌رسد، یعنی بعد مردمی هم روی دانشگاه آزاد حساب می‌کند. وقتی ضدانقلاب و رسانه‌های آن‌ور آبی همه کنش‌های ما را به سرعت با واکنش پاسخ می‌دهند یعنی چه؟ یعنی در داخل کشور به نسبت خوب حرکت می‌کنیم. ایده‌آل نیستیم ولی رو به جلو بوده‌ایم.

---

۹ نیمکت خبر

همرسان ۲۰ زوج را به هم رساند

رئیس اداره آموزش و مشاوره مدیریت خانواده و ازدواج نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها گفت: «مرکز همرسان از آذر سال گذشته در چهارچوب فرهنگ اصیل خانواده ایرانی- اسلامی فعالیت خود را در دانشگاه‌های کشور با راه‌اندازی سامانه هوشمند با محوریت واسط ازدواج و مشاور آغاز کرد. تاکنون بیش از ۸ هزار متقاضی ازدواج در این سامانه ثبت‌نام کردند و توسط کارشناسان آموزش‌دیده مراکز همرسان دانشگاه‌ها در مرحله راستی‌آزمایی هستند.» فرح‌بخش افزود: «تاکنون بیش از ۲۵۰ وساطت ازدواج و جلسه آشنایی در سطح کشور برگزار شده و ۲۰ نفر از متقاضیان به مرحله ازدواج رسیدند.» وی با اشاره به برگزاری نخستین جشن ازدواج همرسانی ادامه داد: «به‌زودی برای زوج‌های دانشجو و متقاضیانی که از سامانه همرسان مراحل ازدواج را پیمودند، جشن ازدواج برگزار می‌شود.» مسئول مرکز همرسان در پایان یادآور شد: «سفر به مشهد مقدس در قالب کاروان‌های همسفر تا بهشت، کمک جهیزیه، تسهیلات خرید کالا، تسهیلات خیرین، اردوی هم مسیر زندگی و... از خدمات در نظر گرفته برای ازدواج‌های همرسانی است.»

رتبه‌بندی ۲ هزار دانشگاه خارجی در سازمان امور دانشجویان

سرپرست اداره کل امور دانش‌آموختگان سازمان امور دانشجویان گفت: «این اداره کل اعتبارسنجی بیش از ۲ هزار و ۷۸۶ دانشگاه و موسسه آموزش عالی ۱۰۷ کشور خارجی را برای سال ۲۰۲۳ انجام داده است.» حامد ثقفی درباره اهم فعالیت‌های این اداره کل در سال ۱۴۰۱ گفت: «اداره کل امور دانش‌آموختگان به‌عنوان یکی از ادارات «معاونت بورس و امور دانشجویان خارج» وظایف مربوط به دانش‌آموختگان خارج، داخل و همچنین مطالعات و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها و راهنمایی تحصیلی و امکان اشتغال آفرینی دانش‌آموختگان را برعهده دارد.»
وی ادامه داد: «در طول یک سال گذشته، اداره کل امور دانش‌آموختگان با اتخاذ رویکردهای جدید و اهتمام حداکثری تلاش کرده تا کلان برنامه‌ها و برنامه‌های عملیاتی به موازات خدمت‌رسانی و امور جاری این اداره کل پیشرفت داشته باشد به‌طوری که در سال گذشته یک هزار و ۲۱۱ پرونده ارزشیابی و متقاضیان گواهی موقت دریافت کرده‌اند، ۵۷۰ ارزشنامه با کد صحت برای دانش‌آموختگان خارج از کشور و ۴۵۸ هزار کد صحت برای دانش‌آموختگان داخل صادر شده است.»

ارزش تفاهمنامه‌های اینوتکس ۲۰۲۳ به ۲۷۸ میلیارد تومان رسید

دبیر نمایشگاه اینوتکس همچنین تصریح کرد: «در بخش نمایشگاهی سعی کرده‌ایم مخصوصا بین غرفه‌داران ایرانی و خارجی و بین شرکت‌هایی که در نمایشگاه حاضر هستند با هم ارتباط برقرار کنیم. مثلا استارتاپ‌ها را به سرمایه‌گذاران و در قالب «کافه سرمایه» شرکت‌های دانش‌بنیان را به صنایع وصل کنیم. در کل از مجموع جلسات «بی‌تو‌بی» که بین شرکت‌ها در نمایشگاه اینوتکس ۲۰۲۳ برقرار شد، ۵۳ تفاهمنامه به امضا رسید که ارزش این ۵۳ تفاهمنامه، ۲۷۸ میلیارد تومان است.» فشمی با اشاره به بخش رویدادی نمایشگاه گفت: «هدف اول برگزاری نمایشگاه، توسعه سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری و نوآوری است، هدف دوم افزایش تعاملات زیستی بین بنگاه‌های اقتصادی مانند شرکت‌های دانش‌بنیان و صنایع و هدف سوم ما شبکه‌سازی است. برای اینکه به این اهداف برسیم برای هر کدام از این اهداف چند رویداد ایجاد کردیم. مثلا پیش از نمایشگاه در حوزه سرمایه‌گذاری تلاش کردیم. امسال ۷۵۰ جلسه سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذارها و استارتاپ‌ها تنظیم شد که از این ۷۵۰ جلسه تنظیم‌شده، ۴۱۶ جلسه سرمایه‌گذاری برگزار شد و این جلسات عمدتا به نوبت دوم رسید. یعنی در نوبت اول سرمایه‌گذار و استارتاپ با هم آشنا شدند و برای بررسی بیشتر جلسه به نوبت دوم کشیده شد.»

ادامه در صفحه ۵

مهلت ثبت‌نام وام دانشجویی امروز به پایان می‌رسد

مسعود گنجی در گفت‌وگو با ایسکانیوز با اشاره به قطع بودن سایت صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اظهار کرد: «دانشجویان اصلا نگران قطع بودن سایت نباشند؛ چراکه به ازای میزان ساعات قطع بودن سایت، به دانشجویان فرصت ثبت‌نام ارائه خواهد شد.» وی با بیان اینکه علت قطع بودن سایت صندوق رفاه دانشجویان به علت پهنای باند پایین یا تعداد متقاضیان نیست، گفت: «سامانه ثبت‌نام صندوق به‌صورت همزمان باید با سه سامانه دیگر از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ثبت احوال و ثبت اسناد در ارتباط باشد، بنابراین گاهی این مشکلات پیش می‌آید.»
رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری درباره تمدید مهلت ثبت‌نام وام‌های دانشجویی نیمسال دوم تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ عنوان کرد: «مهلت ثبت‌نام یکشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه به پایان می‌رسد اما اگر قطع بودن سایت ادامه داشته باشد، امکان تمدید وجود دارد. با توجه به شرایط خاص تصمیم‌گیری درباره این موضوع در ساعات آینده گرفته خواهد شد.»

خریداران کتاب ۵۰ درصد به نسبت سال گذشته کاهش داشتند

حسین صدیقیان، استادیار گروه باستان‌شناسی و معاون انتشارات دانشگاه لرستان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با بیان اینکه امسال دومین بار است که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داریم، گفت: «بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب را در این دوره عرضه کرده‌ایم که بسیاری از آنها هم فروش رفته‌اند. میانگین قیمت آثارمان نیز بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان است. این درحالی است که ما سهمیه کاغذ دولتی را برای چاپ آثارمان دریافت نمی‌کنیم.» او ادامه داد: «با وجود اینکه انتشارات ما نزدیک به دوسال است که حرفه‌ای کار می‌کند، هنوز دنبال دریافت کاغذ سهمیه‌ای نرفته‌ایم البته تا پیش از این هم فعالیت می‌کردیم اما نه به‌صورت حرفه‌ای. از این رو نوسانات قیمت کاغذ سهم زیادی روی قیمت آثارمان داشته‌اند، به‌طوری که قیمت آثار دو تا سه برابر و در مقابل فروش هم به‌شدت کم شده است، به‌طوری که می‌بینیم بسیاری از مراجعه‌کنندگان این دوره از نمایشگاه با وجود اینکه دانشجو هستند، اما قدرت خرید آثار را ندارند.» صدیقیان تصریح کرد: «برنامه‌مان این است که با برخی از اپلیکیشن‌ها مانند «طاقچه» همکاری کنیم تا آثار را به‌صورت فایل در آنجا قرار دهیم و برای آنهایی که قدرت خرید کتاب فیزیکی را ندارند، امکان دسترسی به آثار فراهم شود. خوشبختانه فروش روز گذشته به نسبت روزهای اولیه نمایشگاه بهتر بوده و روز گذشته بالغ بر ۳۰ جلد کتاب فروخته‌ایم.» معاون انتشارات دانشگاه لرستان خاطرنشان کرد: «متاسفانه استقبال دانشجویان به نسبت سال گذشته کمتر شده و نزدیک به ۵۰ درصد کاهش ریزش مخاطب را داشته‌ایم، دلیلش هم بالا رفتن قیمت کتاب‌هاست.»

گسترش دیپلماسی علمی دانشگاه تربیت مدرس با آفریقای جنوبی

رئیس مرکز مطالعات آفریقای دانشگاه تربیت‌مدرس، از تدوین برنامه این مرکز برای گسترش روابط ایران و آفریقای جنوبی در حوزه دیپلماسی علمی خبر داد. مجید رسولی در افتتاحیه برگزاری دومین همایش بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آفریقای جنوبی اعلام کرد: «از آنجا که روابط خوب ایران و آفریقای جنوبی تابع پایبندی دو طرف به ارزش‌های انسانی بوده، روابط ایران پیش از انقلاب اسلامی با دولت آپارتاید هیچ‌گاه مورد تایید مردم ایران نبوده است.» رئیس مرکز مطالعات آفریقای دانشگاه تربیت مدرس افزود: «پیشرفت آفریقای جنوبی و حضور این کشور در جمع کشورهای بریکس به‌مثابه قدرت‌های نوظهور دنیاست که دیگر اعضای آن نظیر چین، روسیه، هند و برزیل روابط خوبی با ایران دارند و اقدامات آنان موید ایجاد جهان چندقطبی است؛ بنابراین این اتفاق همواره موجب خوشحالی مردم ایران شده است.» رسولی در ادامه تاکید کرد: «آنچه در روابط امروز ایران و آفریقای جنوبی اهمیت دارد در کنار ملاحظات فرهنگی، مستلزم به‌روزرسانی روابط علمی و توسعه و بسط دیپلماسی علمی است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی همچون آفریقای جنوبی پس از آپارتاید گام‌های بلندی را برای دستیابی به مرزهای دانش برداشته است.»